



سه دختر

سه دختر "ایرانی - انگلیسی" که هر سه ۱۸ ساله اند و هر سه تقریباً باهم بزرگ شده اند، چند روزی است که هر یک در کشوری جداگانه در حال تفریح و خوش گذرانی اند. هر یک با گروهی از دوستان خود دارند از جوانی خود لذت می برند. آرمینا با کارت پستالی که فرستاده است از شب های زیبا و پر ستاره در فرانسه و شراب ارزان می گوید. دو دختر دیگر از سواحل دریای دو کشور دیگر، ما را در شادی خود شریک می کنند. راستی در همین لحظات دختر های هم سن اینها در ایران چه می کنند؟

رعنا و دوستش

مطلب آخری که از من در نشریه آمده بود، دوستم که دید سریع به من زنگ زد و گفت این چیزی که من برای تو تعریف کردم تو نشریه علیه تبعیض چه می کنی؟ گفتم من نوشتم دوستم گفت تو چه وقت این برای نشریه نوشتی و چقدر طول کشید تا تو نشریه درج بشود؟ گفتم دو روز طول کشید. با تعجب گفت یعنی اینا اینقدر سریع جواب می دن؟ گفتم آره! من به دوستم گفتم تو هم برای علیه تبعیض بنویس. حالا قرار شد برای نشریه بنویسد. خوب است بگویم که این دوستم همراه مادرش نشریه رو به خیلی ها معرفی می کنند و می گوید که همه از نشریه استقبال می کنند.* اشاره به مطلب "فرزندم را از شوهرم خریدم".*

اهمیت نامه رعنا به نشریه علیه تبعیض دارد گوش ها را تیز می کند. نشریه دارد در میان بخش معینی از جامعه زخنه می کند. همه شما که دردی دارید و می توانید قلم بدست بگیرید باید برای نشریه بنویسید و مهمتر آن را به دست دیگران برسانید. یادتان نرود.*



نه رنگی از زندگی
نه نشاط و امید به
فردای بهتر.
جغد کور در تاریکی

موهای بلند نگین

واشینگتن پست از قول یک دختر جوان ایرانی ۲۳ ساله به نام نگین می نویسد: "ما عادت کرده ایم که در نحوه پوشش خود خلاق باشیم".

نگین همچنین درباره روحانیون ایرانی می گوید: "آن ها در دنیایی دیگر زندگی می کنند." او، مانند بسیاری دیگر از زنان شهرنشین ایرانی، توضیح می دهد که اگر

بازداشت ۷۰ میلیونی

بازداشت هفده زن و مرد حاضر در یک میهمانی در خراسان رضوی ۱۷ زن و مرد که اقدام به برگزاری پارتی مختلط در شهرستان طرقبه شانندیز واقع در خراسان رضوی کرده بودند، بازداشت شدند.*

نابود باد
حکومت ضد زندگی



طرح سالم سازی سواحل توسط سپاه اجرا میشود: ایجاد سکوهایی نماز و بسیج ساحل/ تفکیک مردان و زنان در سواحل معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه کربلا مازندران: دغدغه تمام مسئولان ارشد استان رعایت مسائل شرعی در سواحل دریا است و در تمام سواحل طرح سالم سازی دریا تفکیک مرد و زن وجود دارد.

او گفت: سپاه به عنوان عضو طرح سالم سازی دریا درباره اختلاط مرد و زن در سواحل برخورد جدی می کند و با کسی تعارف ندارد.*



Copyright © document Iran Images. All Rights Reserved

تا می توانید سواحل دریا را "سالم سازی" کنید. سالم از سلامت و تن درستی و نشاط. آنقدر "سالم سازی" کنید تا مرگتان فرا برسد. سلامت اسلامی شما همان غم و مرگ و بدبختی است. ارزانی خودتان.

حکم شلاق يك محكوم به اتهام رابطه "نامشروع" (خارج از ازدواج) در شهرستان مسجدسلیمان استان خوزستان در ملاء عام اجرا شد.

به گزارش ایسنا، حکم شلاق محكوم علیه "غ.م" که به دلیل ارتکاب رابطه "نامشروع" (خارج از ازدواج) به تحمل ۹۰ ضربه شلاق محكوم شده بود، عصر سه شنبه در مرکز شهر مسجدسلیمان به مرحله اجرا درآمد.*



وقتی به دیدار هم می روید یک نسخه از علیه تبعیض را همراه داشته باشید و به دوستان خود هدیه کنید!

مردها و زن ها! چه احساسی دارید؟ چقدر با هر ضربه شلاقی که بر بدن این فرد فرو نشست است احساس درد کرده اید؟ کم یا زیاد یا بدون احساس. این معیار انسانیت ماست.

رژیم اسلامی و درد حجاب

ممانعت از حضور تیم فوتبال زنان ایران، در رقابت های مقدماتی المپیک ۲۰۱۲ لندن به دلیل تحمیل حجاب به زنان ورزشکار ایرانی

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی نیز گفت: "آن چه در مورد تیم فوتبال زنان ایران و مسئله حجاب رخ داد، رفتاری تبعیض آمیز، گزینشی و پایمال کردن حقوق ملت ما است." او گفت "خانم های کشور ما خودشان مایل هستند با حجاب به ورزش خود ادامه دهند و هیچ کس حق ندارد مانع فعالیت های ورزشی آن ها به دلیل حجاب باشد!"*

"زنان ورزشکار ایرانی خودشان می خواهند با حجاب در مسابقات شرکت کنند" خیلی ساده است. اگر اینطور است که می گوئید. اعلام کنید هر ورزشکار زن ایرانی که دوست دارد بی حجاب در مسابقات حضور داشته باشد، آزاد است. به این معنی که نه جرم است و نه باعث اخراج زنان از تیم های ورزشی می شود. از دستگیری و اذیت و آزار بعدی هم خبری نخواهد بود. این گوی - این میدان.



گرچه مرتضی علی

مینا احدی



گذاری کرده است. اصلاحات مورد نظر خاتمی، همان بود که دیدیم و امروز با گذشت چند سال میتوانیم قضاوت کنیم که حق با که بود؟

چرا نوشین احمدی خراسانی در هر جدل و تند پیچی، سپر بلای حکومت اسلامی و مذهب اسلام میشود؟

۱۲ سال قبل، مطلبی از نوشین احمدی خراسانی در مجله زنان خواندم با عنوان "کوچک زیباست"، موضوع سخنرانی من در کنفرانسی در استکهلم در سال ۱۹۹۹ نقد این مقاله بود.

قرار بود شیرین عبادی و مهرانگیز کار نیز از ایران برای حضور در این کنفرانس به سوئد بیایند. متأسفانه مهرانگیز کار نتوانست پرواز کند و سخنرانی اش را فرستاد، ولی شیرین عبادی در این کنفرانس سخنرانی کرد.

اسم رمانتیک مقاله "کوچک زیباست" رنگ و لعابی زشت بر یک سیاست راست و ضد حقوق زنان بود. استدلال در مقاله این بود که سنگ بزرگ علامت نژدین است. یعنی مقابله با کلیت حکومت اسلامی و صحبت کردن از اینکه حکومت اسلامی ضد زن و ضد انسانی است و باید سرنگون شود، سنگ بزرگ است و باید به کوچک قانع بود. طبعاً این کوچک ها هم نه برنامه اعتراض برای پس زدن حکومت و گرفتن بخشی از حقوق زنان، نه، موضوع بر سر دفاع از خاتمی و به اصطلاح "اصلاحات" در حکومت اسلامی ایران بود.

دعوی امثال من با این جماعت یعنی بخش زنان جنبش ملی اسلامی، با مدافعین ثابت و دائمی "اصلاحات" در رژیم، با طرفداران دیدار با آخوندها و چانه زدن با آنها برای کمی تفسیر بهتر از قران و کمی حقوق به نفع زنان، این بود که ما در ایران با یک حکومت اسلامی طرف هستیم که سران و دست اندرکاران این حکومت با کارتهای مختلف بازی میکنند.

یکی طرفدار سرکوب و قلع و قمع علنی و بیرحمانه است و دیگری طرفدار اعدام با لیخند و سنگسار در پشت دیوار زندانها است. این دعوا بر سر چگونگی حکومت کردن و ادامه حیات حکومتی است که در قانون اساسی آن زن را نیمه بشر تعریف کرده و خونش را نصف خون مرد قیمت

همان موقع هم گفتیم که هر درجه پس زدن حکومت اسلامی و تحمیل اصلاحات به حکومت اسلامی با یک میارزه گسترده و سرنگونی طلبانه و با گفتن اینکه این حکومت دون شان بشر در قرن بیست و یکم هست امکان پذیر است و نه خاک پاشیدن در چشم مردم و دفاع تلویحی از حکومت و قوانین اسلامی.

بهر حال در کنفرانس مدوسا بین و من و شیرین عبادی که سخنران دیگر این کنفرانس و از همفکران احمدی خراسانی است، جدل تندی پیش آمد، موضوع سخنرانی من این بود که زنان باید به سیم آخر بزنند و بدون لکنت زبان اعلام کنند، که حکومت اسلامی را نمیخواهند و خواهان هیچ سازشی با آخوند و حکومت زن ستیز و به غایت وحشی و مدافع سنگسار نیستند. رفتن دم در خانه این آخوند و آن آخوند و گدایی حقوق زنان را کردن، آب در هاون کوبیدن است و دفاع از خاتمی بعنوان یک مدافع "رفرم" و بدتر از آن مدافع "حقوق زنان" سپر بلای



حکومت اسلامی شدن است.

جر و بحثهای ما در کنفرانس مدوسا از سوی رادیو اسرائیل که در آن کنفرانس صفا حائری برای آن رادیو گزارش تهیه میکرد چنین گزارش شد، بین خانم عبادی و مینا احدی در این کنفرانس مباحثات

داغی در گرفته، مینا احدی میگوید زنان در ایران باید به سیم آخر بزنند و خانم عبادی مخالف این روش است. ("نقل به معنی)

سه سال قبل یک موضوع جالب توجه ها را بخود جلب کرد. این عکس در رسانه های متعددی چاپ شد. خانم احمدی در حال بهم زدن آش نذری لابد برای متحقق شدن حقوق زنان بود.

این افتضاح سیاسی با عکس العمل شدید بسیاری روبرو شد و خاتم احمدی خیلی حق بجانب مقاله ای نوشت به اسم "جنجال آش نذری و فمینیست های خطاکار" در بخشی از این مقاله مفصل و مدافع سنت و فرهنگ عقب مانده گفت: جامعه کنونی ما جامعه ای متصلب است و هر کسی ملزم است تکلیفش را پیشاپیش جار بزند، در جبهه حق است یا باطل، سوسیالیسم است یا سرمایه داری، خودی است یا دشمن، اهورایی است یا اهریمنی و... و در نهایت ایشان طلبکار از آن در آمد و مجدداً یک ضد حمله به چپها و زنان "عقدی ای" دهه ۵۰ و ۶۰ کرد و... الی آخر.

چندی قبل مطلب دیگری از نوشین احمدی را دیدم و بی اختیار یاد این ضرب المثل افتادم که چرا ایشان مثل گرچه مرتضی علی در مورد هر بحثی با چهار دست و پای دفاع از حکومت و حمله به چپها به زمین می آید. در مورد حجاب به نقل قول جدید از ایشان توجه کنید:

برخی از زنان که تصور

می کنند به خاطر پرداخت



گرچه مرتضی علی



«هزینه های گزاف گذشته» ناشی از وقایع انقلاب، «درس گرفته اند» و بنا دارند که امروز به گونه ای «متفاوت» عمل کنند متأسفانه گاه می بینیم که با دنباله روی از برخی گفتمان های ایدئولوژیک و قهرآمیز (و نه حق مدار و مدنی)، باز هم ناخواسته در برابر «حق انتخاب آزادانه زنان» می ایستند. چرا که آنان باز هم «تضاد اصلی شان» با خود حاکمیت است، نه با «چگونگی حکمرانی آنها» (حداقل از زاویه منافع زنان)، و به جای آن که دولت ها را با معیار و درجه خدمت رسانی یا عدم خدمات شان به حقوق زنان و «بهبود شرایط زندگی زنان» بسنجند متأسفانه متر و معیارشان را بر «واکنش سلبی نسبت به خود حاکمیت ها» و یا «افراد حاکم» قرار داده اند.

سوال من اینست که اگر حاکمیتی مثل جمهوری اسلامی ایران بود که سی و دو سال است، زن را از حق نفس کشیدن هم محروم کرده و همه حقوق انسانی زنان را از آنان سلب کرده است، اگر حاکمیتی اسلامی بود و قوانین منبعت از اسلام را حتی در رختخواب مردم پیاده کرد و هر

«مردان با دمی در جلو»

منصور بهمنش

داشت درد دل می کرد و همزمان اعتراض اش به مردسالاری یکی از آشنایان را با صدای بلند بسوی من پرتاب می کرد. یک لحظه با شنیدن این جمله: (به قول اوریانا فالآچی، مردان دمی در جلو دارند)، گوش هایم تیز شد و احساس همدلی با این زن مبارز به همه وجودم رخنه کرد. یک زن که همه عمرش را کار کرد و زحمت کشید. کسی که از حاصل کار و تلاش شبانه روزی اش نه فقط خود و خانواده اش، بلکه همه فامیل ها و حتی بعضاً همسایه ها نیز نصیب بردند.

می خواست بگوید من با این شخصیت مثبت اجتماعی، کسی که همیشه به دیگران کمک کردم و از زندگی خودم و

نوع تخطی از این قوانین قرون وسطایی را با شکنجه و شلاق و اعدام و سنگسار پاسخ داد، باز هم کماکان باید "حق مدار و مدنی" رفتار کرد و سلبی نبود؟ یعنی اینکه از سرنگونی حکومت حرفی نزد. خجالت نمی کشید درست در روزهایی که در منطقه خاورمیانه در کشورهای متعددی نسل جوان و مردم معترض دیکتاتورها را یکی پس از دیگری سرنگون میکنند، شما باز هم هر نوع سرنگونی طلبی و حق خواهی را با "چ—وپ" ایدئولوژیک ناباشیم" میزنید و کماکان مرغتان یک پا دارد و آنهم دفاع از ادامه حیات حکومت اسلامی و کمی بزک کردن این حکومت است؟ ضدیت شما با چپ و کمونیسم و با مبارزات رادیکال و سرنگونی طلبانه زنان و مردم علیه این حکومت بنظر



نوشین احمدی خراسانی

میرسد ژنتیکی است.

دوره جنبش اسلامی دارد بسر میرسد، اسلام سیاسی با سرنگونی حکومت اسلامی ایران، ضربه نهایی را از جنبش مدرن و مترقی و انسان دوستانه جوانان در مصر و تونس و سوریه و ایران.. خواهد خورد. سر مار اسلام سیاسی در ایران است و هر نوع دفاع شما از این حکومت، مستقیم و غیر مستقیم دفاع از ادامه حیات جنبشی است که با زن ستیزی و حجاب آمد و البته با حجاب سوزان و پرتاب کردن حجابها و با انقلاب تکلیفش روشن خواهد شد. دوره جنبش اسلامی بسر آمده، از این حکومت دفاع نکنید. به نفع خودتان است! *

محبتش را به تساوی بین همه تقسیم می کرد و همه به او افتخار می کردند. (از نگاه من حالا هم همانی است که همیشه می شناختم اش)

نگاه مردسالارانه به این زن فقط از افت و خیز زندگی شخصی او نشات نمی گیرد. زن طی ۳۲ سال گذشته منظمًا توسط یک نظام سیاسی - اقتصادی و فرهنگی بمباران شده است. طی این سه دهه وظیفه کوبیدن زن مستقیماً به مذهب سپرده شده است و همین امکانی به مرد سالاری داده است تا سلول بدخیم مردسالاری به سرطان فوق العاده خطرناکی علیه زنان عمل کند. زن زمانی رها می شود که جامعه برابر و انسانی باشد. تا آن زمان اما هیچ فردی، یا بهتر بگویم هیچ مردی حق ندارد با تکیه زدن به قوانین ارتجاعی اسلامی خود را به "کوچه علی چپ بزند" و مردسالاری اش را باد بزند. مبارزه با مردسالاری وظیفه هر روزه و تعطیلی ناپذیر همه ما انسانهای برابری طلب است. *

بچه هایم زدم و دست دیگران را گرفتم، حالا که زندگی روز بروز سخت تر می شود باید بنشینم و امر و نهی "بزرگتر قوم" را آویزه گوش کنم. می گفت با این سن و سال ام هنوز کسانی می خواهند به من بگویند چه بپوشم و چطور راه بروم و با چه کسانی نشست و برخاست کنم. می گفت دارند به من اخطار میدهند که زن بودن خودم را همیشه بیاد داشته باشم. اینکه هر چه بودم و هر ادعای در باره خودم دارم، هنوز یک زن هستم و این مردان هستند که عاقل ترند، با وقار ترند اند. قوی ترند. کارساز تر و مدبر تر اند. می گفت من همه اینها را به هیچ می گیرم.

کاراکتر اجتماعی و مسئولیت پذیری در قبال دوست و آشنا و خانواده اش را در حدی میدید که دیگران یک سر و گردن از او عقب اند. یک ساعتی با هم حرف زدیم. به راستی هر چه می گفت و من هر چه می شنیدم حقیقت مطلق بود. کسی که همه امکانات اقتصادی و مهمتر عشق و